

کنکاشی درباره نظام محله محور

نگاهی به اهمیت و ضرورت اجتماعات محلی و خرد در مدیریت کلان

دکتر ابراهیم فیاض

دکتر ابراهیم فیاض، عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و استاد مدعو دانشگاه امام صادق (ع) است. کتاب‌های «ایران آینده؛ به سوی الگویی مردم‌شناختی برای ابرقدرتی ایران»، «تولید علم و علوم انسانی»، «تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات: نگاهی مردم‌شناختی» و «مردم‌شناسی دینی توسعه در ایران: دین، فرهنگ و توسعه در ایران» از این استاد منتشر شده است. در این گفتار، دکتر فیاض به جایگاه محله و مشارکت مردم در مدیریت شهر اشاراتی کرده و همچنین اجتماعات محلی را ضرورتی برای ارتباط اهالی با یکدیگر می‌داند. نگاه استاد فیاض و مثال‌هایش در این مطلب، شهر مشهد است اما همین الگو برای برای همه محلات دیگر کشور قابل اجراست.

مدیریت محله در غرب

توجه به محلات در غرب هم وجود دارد، به خصوص در کشورهای سوسیالیستی. البته در کشورهای مختلف این مسأله متفاوت است. آمریکا شهرک زیاد دارد. چون کشور گسترده ای است و در آن محوریت با شهرک‌هاست. حتی یک ایالت با ایالت دیگر تفاوت دارد. در مقابل، آلمان جمعیت فشرده ای دارد و وضعیتش متفاوت است. به طور کلی غربی‌ها بحث مدیریت محله را از قرون وسطی داشته اند؛ چه به صورت رسمی و چه غیررسمی. در آنجا خود مردم از محله مراقبت می‌کنند، برخی مشارکت مالی می‌کنند و بعضی به گونه‌های دیگر کمک می‌کنند. این کمک‌ها از طرق مختلف صورت می‌پذیرد؛ هم در قالب NGO ها و هم به صورت خودجوش؛ چه با گزینش افراد از راه انتخابات و چه بزرگ‌محوری و ریش‌سفیدی. اما برای این کار اساسنامه دارند. اگر ما هم بخواهیم مشارکت‌های سازمان‌مند داشته باشیم، باید برای کارمان اساسنامه بنویسیم.

شهر یزد و نظام محله ای

هر چه محله قوی‌تر باشد، مشارکت عمومی بیشتر است و مشکلات خیلی راحت‌تر حل می‌شود. دیگر خیلی از مسائل به نیروی انتظامی نمی‌کشد؛ حتی فقری در محله باقی نمی‌ماند. یکی از بهترین شهرهای ایران به لحاظ نظام محله ای یزد است. این شهر، محلاتی قوی دارد. مثلاً در ماه محرم محلات به شدت فعال می‌شوند و با هم همکاری دارند. چه بسیار ازدواج‌ها رخ می‌دهد، چقدر فاصله اجتماعی کم می‌شود، بسیاری از مسائل اقتصادی حل می‌شود و از مشکلات روحی و روانی کاسته می‌شود. گرایش به کتابخانه و مسجد افزایش می‌یابد و گرایش به اعتیاد کم می‌شود.

توجه به هویت تاریخی محلات

مهم‌ترین نکته در شکل‌گیری شورای هر محله، توجه به مختصات آن محله است. یعنی باید ببینیم مثلاً تفاوت محله احمدآباد با محله تقی‌آباد در چیست؟ تاریخ محلات هم باعث تفکیک آن‌ها از یکدیگر می‌شود. ممکن است در محله‌ای یک جلسه دعای کمیل سی سال ادامه پیدا کرده باشد. شاید مؤسسين آن از دنیا بروند، اما جوان‌ترها به این حلقه اضافه می‌شوند و آن را ادامه می‌دهند. لذا اگر ساختارها شکل بگیرد همه چیز درست می‌شود. شما می‌توانید در فرهنگسراها موزه بنزید و عکس‌های قدیمی و اسناد محلات را به نمایش بگذارید. بسیاری از اسناد در حال از بین رفتن است. باید به محلات هویت تاریخی داد. مثلاً محلات «سناباد» و «نوغان» مشهد خیلی جای کار دارند. ما در شهر، مدیریت متمرکز را قبول نداریم و به جای آن باید مدیریت متکثر را جایگزین کنیم که در آن بر اساس نیازهای محله‌ای برنامه‌ها شکل می‌گیرند.

برج‌ها؛ محلات عمودی

از سوی دیگر نمی‌توان از پیشرفت شهرها جلوگیری کرد. جمعیت امروز، اقتضائات خاص خود را دارد. باید به محلات برج‌نشین روی آورد. برج‌ها محلات عمودی هستند و اگر آن‌ها را در خیابان‌های بن‌بست درست کنیم، به سرعت هویت محله‌ای پیدا می‌کنند. همچنین ما نباید خیابان‌های طولانی درست کنیم، باید خیابان‌ها منقطع شوند تا به لحاظ فرمی نیز محله‌ها شکل بگیرد.

نمی‌خواهید محلات خود را بسازید؟

شهرداری‌ها باید برنامه محله‌ای و نظام‌مند خاص خود را بنویسند. شهرداری باید بزرگان محلات را جمع و از آنها پذیرایی کند و این سؤال را بپرسد که: «آیا نمی‌خواهید محلات خود را بسازید؟» خیلی اوقات کافی است یک نفر به میدان بیاید. شهرداری فقط باید اسباب‌آشنایی را فراهم کند. به عنوان مثال اگر شخصیت‌های موجه یک خیابان را جمع کنید و بگویید در هر چند صد متر نیاز به یک مسجد است، خیلی‌ها حاضرند کمک کنند. همان مسجد می‌شود جایی برای مشارکت اهالی محل. افراد بسیاری هم هستند که حاضرند کتابخانه عمومی به اسم خودشان بسازند تا باقیات‌الصالحاتی برایشان باشد. کتابخانه‌های محلی برای کودکان و نوجوانان به آرامی می‌تواند جایگزین کلوپ‌ها شود.

پاتوق‌های محلی

لازمه مدیریت محله، مشارکت مردم و حاکمیت است. باید کاری کرد که مردم به مراکز عمومی روی بیاورند. باید قطب‌ها و پاتوق‌های محله‌ای درست کرد. جایی که مردم را دور هم جمع کند و محل دیدار باشد. در گذشته مردم زیر پل، خانه‌خان، در هیأت یا قهوه‌خانه جمع می‌شدند. بازار هم خیلی مهم است. ما هنوز بازار محله‌ای شکل نداده‌ایم که البته خیلی هم اقتصادی است و از تمرکز در مرکز شهر جلوگیری می‌کند. بازارهای میوه و تره‌بار محله‌ای می‌توانند چنین نقشی داشته باشند.

مشهد؛ شهر گروه‌های کوچک!

متأسفانه عملکردها طوری بوده است که موجب شده حرم، باعث اختلاف طبقاتی شود. هرچه از حرم دورتر می‌شویم و به سمت غرب می‌رویم (مثلاً به سمت مناطقی مثل آزادشهر، وکیل آباد، ملک آباد و...) شهر شکل دیگری پیدا می‌کند. بافت کنونی حرم باعث شده محلات با هم ارتباط نداشته باشند. در شرق حرم محلات فقیرنشین باشند و در غرب آن مرفه نشین. در این حالت به دلیل فقدان ارتباط بین قشر مرفه و مستضعف، قشر متوسط یک قشر پرخاشگر می‌شود. این باعث می‌شود مشهد به لحاظ امنیتی شهری مشکل دار باشد. یکی از مسؤولین سابق امنیتی استان می‌گفت: هفت لایه امنیتی در مشهد وجود دارد. این اختلاف طبقاتی موجب شده است که مشهد شهر گروه‌های کوچک ۴، ۵ نفری باشد که به شدت برای ناآرامی مستعد است. اگر فشار فرهنگی هم وجود داشته باشد، این رفتارها را تشدید می‌کند.

چرا حرم در مرکز شهر نیست؟

ما نباید بگذاریم مردم از محدوده حرم فاصله بگیرند. چرا مشهد فقط از یک طرف (سمت غرب) و در جهت مخالف حرم در حال توسعه است؟ چرا حرم در مرکز شهر نیست؟ چرا هر چقدر که از حرم به سمت غرب مشهد فاصله می‌گیریم قیمت مسکن افزایش می‌یابد؟ اگر هم در اطراف حرم زمین گران است به دلیل کاربری آن برای ساخت هتل است. در مقابل چرا وضعیت محلات شرق مشهد مناسب نیست؟ سیاست‌های فرهنگی موجود، عدالت شهری را از بین برده است.

همیشه مقلد از مقلد بدتر است

مسئولان فرهنگی باید بروند و خیابان‌های شهر را ببینند؛ سجاد و پارک ملت را ببینند. آنچه را شما در پارک ملت می‌بینید، در هیچ جای ایران نمی‌بینید؛ صحنه‌هایی که من حتی در تهران هم ندیده‌ام. چرا؟ چون آن فرد می‌خواهد از تهران تقلید کند و همیشه مقلد از مقلد بدتر است. بعضی از مشهدی‌ها می‌خواهند ادای تهرانی‌ها را دربیاورند. چرا زمانی در مشهد ماشین‌های پلاک تهران از پلاک مشهد گران‌تر بود؟ این به لحاظ فرهنگی پیام خوبی ندارد.

مشکل قاسم آباد چیست؟

مساجد مشهد به لحاظ فرهنگی ویرانه‌اند، حتی در محله‌هایی مثل سناباد که قشر بازاری در آنجا سکونت دارند. مساجدی که علی‌رغم ظاهر شیک و مرتب‌شان به لحاظ فرهنگی فقیرند. یکی از کارهایی که آستان قدس باید انجام دهد مشارکت با مساجد است. آستان قدس باید مساجد را به عنوان مکمل حرم معرفی کند تا کسی که به مشهد می‌آید آن‌ها را هم متعلق به امام رضا(ع) بداند. البته نباید در سیاست‌گذاری‌ها دخالت کند. باید اختیار مساجد با توجه به نقشی که در مدیریت محلات دارند با ائمه جماعات و بزرگان محلات باشد. چون آن‌ها در محلات زندگی می‌کنند و مشکلات آن‌ها را بهتر می‌دانند. یک قاسم آبادی می‌داند مشکل قاسم آباد چیست؟ یک بچه خواجه ربیع می‌داند مشکل خواجه ربیع چیست؟ اگر می‌خواهیم مردم مدیریت

کنند، باید به آنها ارزش بدهیم. متأسفانه خیلی از متفکرین مشهدی از این شهر می روند و این روند، آینده مشهد را به خطر می اندازد.